

سخن سردبیر

چه دور تندی دارد این روزگار، انگار همین دیروز بود که بهار با آمدنش همه‌ی ما را مسرور کرد و اینک خورشید با تابش مداومش، زمین را صمیمانه در آغوش گرفته و مُژده‌ی شروع فصل تابستان را می‌دهد. آغاز تابستان فرصتی است مناسب، برای پیوندزدن دل‌ها به درخشش زیبای خورشید، فرصتی برای بالابردن دست‌ها تا دل خورشید و رقصیدن ریشه‌ها در خاک گرم. آفتاب گرم تابستان و رشد سریع برگ‌های سبز درختان، نوید آغاز دوباره‌ی زندگی را می‌دهد. گرمای تابستان، حال و هوای کوچ‌کردن به جاهای سبز و خرم و لذت‌بردن از قدم‌زدن کنار ساحل دریا، آب تنی در رودهای خروشان و راه رفتن در میان جنگل‌های سبز و زیبا را در ما تقویت می‌کند. تابستان برای بسیاری از ما یادآور به ثمر رسیدن و شیرین‌شدن میوه‌های باغ پدربزرگ، چیدن آلو و زردآلو، گاز زدن قاچ هندوانه‌ی سرخ و تگری، شربت خنک، شیطنت‌های بچه‌گانه در یک بعدازظهر گرم در کنار حوض خانه‌ی مادربزرگ، خاطره‌ی دلنشین پشت سر گذاشتن امتحانات، مسافرت به دشت و دمن، لیسیدن بستنی یخی، خوابیدن روی پشت بام و هر آنچه است که خاطراتش سال‌هاست در پس ذهنمان نقش بسته‌است و آن‌ها را در کوله بار مهاجرتمان به‌دیار غربت به‌دوش کشیده‌ایم. هنوز که هنوز است ما با این خاطرات دلخوشیم، ولی فرزندانمان از لذت‌های یک بعدازظهر تابستان در خانه‌ی گرم و صمیمی مادربزرگ محرومند و بزرگ‌ترین دغدغه‌ی ما انزوای آن‌ها بدلیل سرگرمی با فضای آنلاین و غرق‌شدن در دنیای مجازی به جای تجربه‌ی زندگی واقعی است. راستی به کجا می‌رویم و کدامیک از ما خوشبخت‌تریم؟

مجله‌ی وندا از همکاری شما برای تبادل نظر در مورد دغدغه‌های مهاجران در قالب مقالات با موضوعات مختلف فرهنگی، اجتماعی، تربیتی و مالی استقبال می‌کند.